



واکاوی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی مکانی مناطق پیراشهری قائمشهر با تمرکز بر آزادی بهره‌بردار (مورد مطالعه: محله مفت آباد)

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۰۳

صفحات: ۴۰-۱۷

مهسا حقانی؛ مربی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.
سحر مجیدی هتکه‌لویی؛ مربی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، تهران، ایران.

امروزه مسکن به‌عنوان یکی از پیچیده‌ترین بناهای معاصر، به سرپناهی موقت، بدون معنا و بی‌ثمر تبدیل شده که کارکرد را ستینش- مأوا و مأمن بودن- را ازدست داده است. این در حالی است که توجه به تمایلات روحی و علایق متنوع انسان‌ها در کنار استانداردهای فیزیکی موجب افزایش کیفیت زندگی می‌گردد؛ از این رو بررسی حس دل‌بستگی به فضای سکونت به‌عنوان یکی از عوامل افزایش کیفیت در مناطق پیراشهری، به جهت وجود معضلات متعدد در این مناطق، بحثی، قابل توجه است. پژوهش حاضر، باهدف شناخت ارتباط مداخله‌ی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونتی و ایجاد حس دل‌بستگی به مکان، آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت را به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر حس دل‌بستگی به مکان مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش با توجه به هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی- پیمایشی است، در بخش کمی شاخص‌های مؤثر در بعد آزادی و حس دل‌بستگی به مکان پس از استخراج از ادبیات پژوهش‌های مرتبط، با تکنیک پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته، توسط نرم‌افزار SPSS.22 و AMOS و آزمون‌های آماری معادلات ساختاری و رگرسیون خطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها حاکی از آن است که، آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت، بر حس دل‌بستگی بر مکان مؤثر می‌باشد و «به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان» از زیرمتغیرهای آزادی بهره‌بردار، بیش‌ترین تأثیر را بر حس دل‌بستگی به مکان دارد. همچنین آزادی بهره‌بردار بیشترین تأثیر را بر «مسئولیت‌پذیری» از زیر متغیرهای حس دل‌بستگی به مکان می‌گذارد. از این رو توجه به این شاخص‌ها توسط اشخاص حقیقی و حقوقی فرآیند ساخت و ساز، می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی در فضای مسکونی مناطق پیراشهری بیانجامد.

چکیده

واژه‌های

کلیدی:

آزادی،
مداخله، حق
انتخاب،
فضاهای
پیراشهری،
حس دل‌بستگی.

E- Mail: Mhaghani@tvu.ac.ir

نحوه ارجاع به مقاله:

حقانی، مهسا. مجیدی هتکه‌لویی، سحر. ۱۴۰۳. واکاوی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی مکانی مناطق پیراشهری قائمشهر با تمرکز بر آزادی بهره‌بردار (مورد مطالعه: محله مفت آباد) مجله توسعه فضاهای پیراشهری. ۱۱(۱): ۴۰-۱۷.



در سال‌های اخیر، با توجه به گسترش شهرها و اسکان افراد در مناطق پیراشهری، مکان مطلوب برای سکونت پیراشهرنشینان، با تأکید بر پیوند میان انسان و مکان، که به‌عنوان مبنایی برای ارضای بسیاری از نیازهای انسان محسوب می‌گردد؛ از اهمیت قابل توجهی برخوردار شده است (Dengen, 2018: 92). این در حالی است که علی‌رغم اهمیت این موضوع، فضاهای مسکونی پیراشهری، به حضور انسان در خود و کیفیت فضای زیست‌بی‌اعتنا شده و به مکانی که فقط حکم سرپناه و خوابگاه را برای بهره‌برداران از خود دارد، تبدیل شده است. حضور در این فضاها برای استفاده‌کنندگان با بی‌تفاوتی و عدم تعلق و دل‌بستگی همراه است؛ زیرا آنچه فضای زندگی انسان را کیفیت می‌بخشد، نه فقط رفع نیازهای فیزیکی و رفتاری او، بلکه برقراری رابطه‌ای معنادار با آن فضا است که موجب ارتقاء فضا به مکانی با ویژگی‌های خاص می‌گردد.

به نظر می‌رسد؛ عدم آگاهی درست از نیازهای بهره‌برداران فضای سکونتی، معضلی که در اکثر موارد به دلیل نبود ارتباط مستقیم بین طراح و بهره‌بردار مسکن، رخ داده است، در کنار کمیت‌گرایی عامل دیگری است که باید بدان توجه نمود. سفارش‌دهنده یا کارفرمای مسکن که معمولاً معمار با او در ارتباط است در موارد کمی استفاده‌کننده اصلی بنا است. نبود این ارتباط، تفاوت‌گذاری میان نیازهای متعارف و نیازهای واقعی مردم را پیچیده می‌سازد.

به گفته لوکوربوزیه «معماران، هنرمندان معجزه‌گر و همه‌کاره نیستند، بلکه عمدتاً هماهنگ‌کننده‌ی فعالیت‌های زندگی با ساختمان‌ها هستند»، یعنی معمار ضمن آن‌که فضاها و فرم‌ها را با ایده‌های هنری و عملکردی خود درمی‌آمیزد؛ باید خواسته‌ها و نیازهای کارفرما را در طراحی خانه وارد نماید (Devido, 1380: 90). به بیانی دیگر شاید خلق فضا قسمت عمده و نمایان کار معمار باشد، اما بخش مهم دیگر از هنر معمار، تعامل متوازن مبتنی بر منطق و احساس با بهره‌بردار است. این رویکرد در طراحی مسکن، از اساسی‌ترین عوامل برای شروع طراحی بوده که، علاوه بر شناخت زمین، استانداردها و رفتارهای انسانی، که یک نوع نگرش کلی است، تنها با شناخت کامل از بهره‌بردار هر طرح صورت می‌پذیرد (علی‌الحسابی، ۱۳۸۹: ۴۲-۳۱)؛ زیرا کیفیت نهایی، محصول تعامل مستقیم بین کالبد و بهره‌بردار بوده و عدم توجه به این امر در سرنوشت کیفی فضای مسکونی بسیار زیان‌بار خواهد بود؛ از راه‌حل‌های درک نیازهای واقعی بهره‌برداران، استفاده از نظر آن‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی و طراحی است (اقبالی و حصاری، ۱۳۹۲). این فرآیند امکان انطباق مسکن با نیازهای آن‌ها را افزایش داده و در نتیجه رضایت عمومی از مسکن را بالا می‌برد. اما این در صورتی است که طراح و بهره‌بردار با یکدیگر در ارتباط مستقیم باشند؛ در شرایط کنونی که در اکثر موارد ارتباطی بین طراح و بهره‌بردار، وجود ندارد، باید به دنبال راه دیگری بود، راهی که امکان مداخله، تغییر و تطبیق نیازها و سلاقی بهره‌بردار را بعد از احداث مسکن فراهم آورد. این امر در فضاهای پیراشهری، که در کشورهای جهان سوم به‌صورت فزاینده‌ای در حال گسترش هستند؛ دارای اهمیت دوچندانی است. چراکه پیراشهرنشینان به‌جهت وجود ناتوانی‌های اقتصادی-اجتماعی، با چالش‌هایی همچون، دسترسی محدود به منابع اجتماعی مواجه هستند، بدین جهت نمی‌توانند نیازهای اولیه خود را برطرف نمایند (پوررجبی و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۶) و در بلندمدت دچار بی‌هویتی می‌گردند. بالا رفتن کیفیت زندگی این افراد به واسطه‌ی افزایش دل‌بستگی به فضای سکونت تا حدودی می‌تواند به افزایش هویت-مندی پیراشهرنشینان کمک نماید. این پژوهش تمرکز خود را بر دل‌بستگی واحد مسکونی در مناطق پیراشهری قرار داده است.

با این پیش‌زمینه، پژوهش حاضر باهدف «شناخت عوامل مؤثر بر حس دل‌بستگی به مکان سکونت در مناطق پیراشهری، با تمرکز بر آزادی بهره‌بردار» قصد دارد با استفاده از مفهوم آزادی در معنای عام و آمیختن آن با طراحی فضاهای سکونتی، به بررسی ارتباط مداخله‌ی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونتی و ایجاد حس دل‌بستگی به مکان پرداخته و زمینه و امکان حق انتخاب و تصمیم‌گیری را برای بهره‌بردار فراهم آورد؛ همچنین در راستای خلق فضای سکونتی آزادی‌مدار با محوریت قابلیت مداخله‌ی بهره‌بردار در جهت افزایش حس دل‌بستگی به مکان در مناطق کم‌برخوردار پیراشهری، گامی مؤثر بردارد. در این راستا، تلاش می‌گردد به دو پرسش؛ «چه ارتباطی میان آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونتی و ایجاد حس دل‌بستگی به واحد مسکونی در مناطق پیراشهری وجود دارد؟» و «عوامل مؤثر بر آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت کدامند؟» پاسخ داده شود.

پژوهشگران و صاحب‌نظران در حوزه‌های مختلف به مطالعه در زمینه‌ی حس دل‌بستگی به مکان پرداخته‌اند، در این بخش به بیان مطالعاتی که با موضوع پژوهش هم‌خوانی دارد؛ پرداخته شده است.

کریر (۱۳۹۰)، در کتاب «معماری، اختیار یا سرنوشت»، بیان می‌دارد که انسان‌ها در طی قرون گذشته می‌دانستند که چگونه بهتر زندگی کنند و چگونه بناها و شهرها و روستاهایی برای زندگی بهتر مطابق خواسته‌ها و نیازهای خود، پدید آورند؛ اما جنبش مدرن با ادعای متکبرانه‌اش این دانایی را از آنان گرفت و آنان را واداشت که به داشته‌های درونی و بیرونی‌شان پشت کنند. به نظر کریر نباید وضع کنونی را سرنوشت مقدر انسان این روزگار دانست و بدان تن داد (کریر، ۱۳۹۰). بلکه باید جهت ایجاد فضای زندگی متناسب با نیازهای افراد، اختیارات لازم به آنان داده شود. به بیانی دیگر باید آزادی در چارچوب قوانین، که در این مطالعه، قوانین معماری مدنظر می‌باشد، در اختیار انسان‌ها جهت مال خودی نمودن فضای درونی واحد مسکونی قرار داده شود.

ازنب و همکاران (۱۴۰۱)، در پژوهشی تحت عنوان «بررسی حس دل‌بستگی در نگرشی پدیدارشناسانه به مکان: تفسیری از تجربیات زیسته‌ی افراد»، به بیان این نکته می‌پردازند که، دیالکتیک بیرونی، یعنی ویژگی‌ها و عواملی که مرتبط با بیرون خانه است و دیالکتیک درونی، که به ویژگی‌ها و عوامل مرتبط با درون خانه همچون مالکیت، کیفیت آسایش، کیفیت خانه، کیفیت رضایت از همسایگی و روابط عاطفی مثبت در خانه اشاره دارد؛ هر دو بر شکل‌گیری دل‌بستگی ساکنان به خانه به‌عنوان مقوله‌ی «تعامل انسان و خانه» تأثیرگذار هستند (ازنب و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۳). با توجه به این که اکثر پژوهش‌های انجام شده در خصوص حس دل‌بستگی به مکان سکونت همچون پژوهش اشاره شده، علی‌رغم اهمیت فضای درونی خانه، به تأثیر فضاهای بیرونی بر این حس پرداخته‌اند، نگارندگان به استناد مطالعه‌ی عنوان شده، با پذیرش اثرگذاری ویژگی‌ها و عوامل مرتبط با درون خانه، بر حس دل‌بستگی به مکان به بررسی عامل آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت، به عنوان رویکردی جدید در این مطالعه می‌پردازند.

حیبی و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی تحت عنوان «آموختن از گذشته، کاربست نحو فضای خانه عطر و شمع و محتشم شیراز در تداوم حس تعلق مکان ویلاهای معاصر» به بیان این نکته پرداختند که، خانه‌های معاصر به جهت تغییر سبک زندگی مردم، دچار تغییر ماهیت و تعاریف فضای معماری شده است، این در حالی است که شاخصه‌های موجود در خانه‌های سنتی ایران، می‌تواند موجبات زنده نگاه داشتن حس تعلق به مکان را در انسان‌ها فراهم آورد. پژوهشگران در این مطالعه از طریق مشاهده و تحلیل با شبیه‌ساز رایانه‌ای دپت‌مپ، به مقایسه‌ی تطبیقی نحوه‌ی چیدمان فضایی مسکن

در دو حالت مدرن و سنتی پرداخته و ضمن بررسی مزایا و معایب راه کارهای بومی در ایجاد حس تعلق فضایی، بیان نمودند که، الگوبرداری از خانه‌های سنتی و افزایش فضاهای واسط کارآمد می‌تواند سبب افزایش احساس تعلق کالبدی ساکنین شود (حیبی و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۷). این پژوهش در راستای مطالعه‌ی حاضر به عنصر خانه و فضای درون آن اشاره داشته و دو عامل «انعطاف‌پذیری» و «آسایش» را به‌عنوان عوامل مؤثر بر این حس بر می‌شمرند.

در ادامه به بررسی دو پژوهش که حس تعلق بر فضاهای پیراشهری را موردسنجش قرار داده‌اند می‌پردازیم. سجاسی‌قیداری و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش «وندالیسم و حس تعلق مکانی در نواحی روستایی پیراشهر بیرجند»، به‌عنوان پژوهشی که تمرکز خود را بر فضاهای پیراشهری قرار داده‌است، ضمن بیان محرومیت‌های سکونتگاه‌های پیراشهر بیرجند نسبت به مرکز شهر، که در کنار عوامل تنوع قومی و فرهنگی منجر به دل‌زدگی فضایی جمعیت و گاهی تقابل با آن شده‌است؛ عامل ناامنی ناشی از وندالیسم (فعالیت‌های خرابکارانه) را در کاهش حس تعلق مؤثر می‌داند. این امر از یک سو حاکی از کیفیت پایین زندگی و آسایش ساکنان و از سوی دیگر، توجه ویژه به نظام برنامه‌ریزی برای گذار به سوی مقبولیت فضا نزد ساکنین را می‌طلبد (سجاسی‌قیداری و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۹). اگرچه این پژوهش حس تعلق به مناطق پیراشهری و عامل مهم وندالیسم در این خصوص را مورد بررسی قرار می‌دهد ولی همچنان خلاء توجه به واحد مسکونی در این مناطق احساس می‌گردد.

معتضدیان و ارسلان‌لاری (۱۳۹۹)، در پژوهش «تبیین مدل ساختاری پایداری اجتماعی و هویت مکانی در منازل سکونتگاه‌های پیراشهری؛ مورد: مجتمع مسکونی سازمانی ارتش در چابهار و کنارک» تمرکز خود را بر فضای جمعی سکونت‌گاه قرار داده و عدم توجه به نیازهای اقوام و گروه‌های گوناگون و مساعد نبودن شرایط ایجاد تعامل میان ساکنین را خلاء بزرگ در ایجاد تعلق مکانی و پایداری اجتماعی بر می‌شمرد (معتضدیان و ارسلان‌لاری، ۱۳۹۹). همان‌طور که مشاهده شد هر دو پژوهش که از نظر حوزه‌ی مکانی - مناطق پیراشهری - با مطالعه‌ی حاضر هم‌سو می‌باشد به بررسی حس تعلق در فضای جمعی و در راستای شاخص‌های شهرسازانه پرداخته‌اند، در حالی که تمرکز بر شاخص‌های معمارانه واحد مسکونی به‌عنوان فضایی که فرد حداقل نیمی از ساعات عمر خود را در آن می‌گذراند مورد توجه قرار نگرفته‌است. در ادامه به بیان پژوهش‌هایی که فارغ از حوزه‌ی مکانی به بررسی حس دل‌بستگی به مکان پرداخته‌اند می‌پردازیم.

در پژوهش «ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کالبدی بر حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران»، رحیمی و همکاران (۱۳۹۹)، به بیان این نکته پرداختند که، مؤلفه‌های کالبدی اعم از «انسجام و وحدت»، «محرمیت»، «مدیریت و تسهیلات و نظارت»، «عناصر طبیعی و سبز»، «غنای بصری و قابلیت جهت‌یابی» و «خوانایی» به ترتیب بیشترین اولویت و تأثیرگذاری را بر حس دل‌بستگی به مکان دارند. همچنین انتخاب مقیاس مناسب و چیدمان درست فضاها توسط طراح معمار، تغییر در میزان حس دل‌بستگی به مکان را در ساکنان آینده مساکن به دنبال خواهد داشت (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹). اگرچه پژوهش مورد اشاره، به حس دل‌بستگی به مکان در فضای بیرون از واحد مسکونی اشاره دارد، ولی برخی از شاخص‌های منتج از آن به جهت همپوشانی با عوامل مؤثر بر فضای درونی، مبنای مدل مفهومی پژوهش حاضر قرار گرفته‌اند.

«قرارگاه فضای میانی در مجتمع‌های مسکونی تهران به‌منظور ارتقاء میزان دل‌بستگی ساکنان»، عنوان پژوهشی است که حاجی‌آقابزرگ و همکاران (۱۴۰۰)، در حوزه‌ی دل‌بستگی به مکان انجام داده‌اند. پژوهشگران در این مطالعه

معیارهای کالبدی با مؤلفه‌های «پوشش فضای سبز»، «تناسبات»، «توزیع»، «سلسله‌مراتب» و معیارهای عملکردی با مؤلفه‌های «گوناگونی» و «انطباق‌پذیری» در فضاهای میانی مجتمع‌های مسکونی را بر میزان دل‌بستگی ساکنان مهم برشمردند (حاجی آقابرگ و همکاران، ۱۴۰۰). این پژوهش نیز به اهمیت فضاهای جمعی فضاهای مسکونی بر حس-دل‌بستگی به مکان اشاره دارد و همچنان واحد مسکونی مغفول واقع شده‌است.

با مرور پژوهش‌های پیشین و نتایج حاصل از آن و با بررسی‌های صورت گرفته در ادبیات حوزه‌ی حس‌دل‌بستگی به مکان، و به استناد پژوهش «فرامطالعه‌ی پژوهش‌های دل‌بستگی به مکان در ایران»، به نگارش پورجعفر و همکاران (۱۴۰۱) مشاهده می‌گردد که مطالعاتی حول موضوع پژوهش و مبحث حس‌دل‌بستگی به مکان، در مقیاس واحد همسایگی، محله، شهر، کشور و... انجام پذیرفته ولی به بعد خانه کم‌ترین توجه صورت پذیرفته‌است. گرچه نبود تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی به عنوان حلقه‌ی مفقوده این روزهای فضاهای شهری مشاهده می‌گردد ولی این عامل نباید ما را از اهمیت واحد مسکونی که بعضاً افراد تنها با توجه به شرایط اقتصادی ملزم به خرید آن می‌گردند، غافل نماید. پس می‌توان اذعان داشت عنصر گمشده در پژوهش‌های اخیر توجه به عنصر خانه در حوزه‌ی دل‌بستگی به مکان است. با این پیش‌زمینه مطالعه‌ی حاضر قصد دارد به سنجش حس‌دل‌بستگی ساکنان مناطق پیراشهری بر واحد مسکونی آنان بپردازد. در مورد واژه‌ی آزادی می‌توان اشاره داشت که این واژه، به‌عنوان مفهومی پیچیده و در عین حال قابل فهم، عرصه‌های بی‌شماری از گرایش‌های فکری بشر را پوشش داده‌است، لذا تعریف آن در سمت و سویی که نیازمندی به آن احساس می‌شود، مستلزم تعریف چارچوبی است، که به‌واسطه‌ی آن بتوان به شناخت و تعریف مفهوم مورد نظر دست یافت. برای رسیدن به چارچوب مفهوم آزادی با نگاه معماری و محوریت طراحی مسکن، ابتدا واژه متداول آزادی با تکیه بر نظم و انسجامی که در اندیشه‌های عام جوامع برای تبیین این واژه مقبولیت بیشتری دارند، بررسی می‌شود (منتسکیو، ۱۳۶۲: ۲۹۲). در یک تعریف ساده و قابل فهم از این مفهوم گفته شده‌است که «آزادی، عبارت است از این که شخص اختیار انجام دادن هر کاری را داشته‌باشد مشروط بر اینکه ضرری به دیگری نرسد.» با این پیش‌زمینه و از نگاهی عام و کلی نگر، آزادی از سه منظر «انسان‌شناسی - جامعه‌شناسی»، «سیاسی» و «فلسفی» قابل طرح است (بهزادفر و کردستانی، ۱۳۸۸: ۳۴)، جهت دستیابی به ویژگی‌هایی از آزادی که یاری‌رسان سمت و سوی پژوهش حاضر باشد؛ ابتدا به اختصار به بیان دیدگاه‌های هر منظر خواهیم پرداخت. آزادی از منظر انسان‌شناسی - جامعه‌شناسی، با تکیه بر زمینه‌ای شکل می‌گیرد که به موجب آن، اجتماعی از انسان‌ها را، «با خصوصیات متنوع‌شان، به رسمیت شناخته» و «تفاوت میان افراد را ناشی از تفاوت فرهنگ و باور آنان» می‌داند. در این مفهوم، فرد به عنوان موجودی انتخاب‌گر شناخته می‌شود و به برابری حقوق و حفظ سعادت فردی او در راستای سعادت و حقوق جمعی تأکید می‌گردد (دورتیه، ۱۳۸۲: ۴۸-۳۷). از منظر سیاسی، می‌توان گفت که آزادی امری اعتباری بوده و به‌عنوان یک مبنای اولیه، عبارت است از وجود امکان‌های متعدد و متنوع برای انتخاب مسیر آینده‌ی سیاست جامعه و عدم مانع در انتخاب هر یک از آن‌ها (عالم، ۱۳۹۴: ۲۹۵-۲۹۶). همچنین فلاسفه در مورد آزادی بیان می‌دارند که، آزادی وصف جنبه‌ی روحانی انسان به‌شمار می‌آید (موسی‌زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۴۷) و رابطه‌ی تنگاتنگی با آن دارد، چراکه متعلق آزادی خود انسان است. آزادی، اراده، اختیار و مبنای مسئولیت انسان است. یعنی این که بشر از هر قیدوبندی که جلو تکامل و رشد معنوی و مادی او را به سوی کمال می‌گیرد، جز تعدی به حقوق دیگران فارغ و رها باشد (دانشور نیلو و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۵۷).

جدول ۱. آزادی از دیدگاه اندیشمندان حوزه‌های مختلف

حوزه‌ی فکری	دیدگاه‌های مرتبط با آزادی
انسان‌شناس - جامعه‌شناس	- به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان. - به رسمیت شناختن انسان‌ها به‌عنوان موجودی انتخاب‌گر.
فلاسفه	- توجه به سه اصل آزادی اندیشه، اصالت فرد و ایجاد برابری در ارائه‌ی فرصت‌های موجود. - توجه به ضرورت داشتن قید دیگرخواهی و عدم تعرض به حقوق دیگران.
سیاسیون	- توجه به اصل آزادی اندیشه در جامعه. - ایجاد زمینه جهت ابراز عقاید گروه‌های مخالف. - تأمین برابری، آزادی‌های فردی، امکانات مطلوب زندگی و حفظ ارزش‌ها در راستای ایجاد زندگی خوب و مرتفع.

منبع: نگارندگان برگرفته از (بهزادفر و کردستانی، ۱۳۸۸)

با توجه به مطالب بیان شده، نگارندگان آزادی از منظر انسان‌شناسی - جامعه‌شناسی را مرتبط با هدف پژوهش دانسته و تمرکز خود را بر دو ویژگی آزادی در این حوزه گذارده‌اند. اگرچه متداول است که واژه‌ی آزادی را بیش‌تر در حوزه‌ی علوم انسانی، به ویژه دانش‌های سیاسی و اجتماعی بشنویم، اما جاذبه‌ی این مفهوم در رابطه با زندگی انسان، فرد را به دانستن رابطه ظرف و زمینه زندگی، یعنی معماری با این مفهوم برمی‌انگیزد (عزیزی و سیرجانی، ۱۳۹۲: ۲). بحث در مورد آزادی در معماری، گرچه از لحاظ مکتوب به رمانتیسم باز می‌گردد، ولی این مفهوم را می‌توان از ابتدای سکونت دائم افراد پس از غارنشینی، مشاهده نمود؛ زمانی که افراد آزادانه هم در حکم معمار وهم بهره‌بردار به شکل‌دهی فضای زندگی خود می‌پرداختند (سیاوش‌پور، ۱۳۸۹: ۶۹). بعدها در دوران مدرن آزادی مطرح می‌شود که، متضمن مفهوم فراغت طرح معماری از قیود و الزامات سازه‌ای و محیطی است، در این دوران است که معماری از رویکردهای رسمی کاملاً آزاد می‌گردد و بیان می‌شود که ساختمان باید به مثابه ارگانیکم زنده‌ای به نظر رسد؛ که نوعی وحدت پیچیده و در عین حال قیاس‌پذیر را در خود دارد. با آغاز دوران مدرن و افزایش توان تکنیکی ساخت و امکان تولید وسیع و صنعتی آلیاژهای مختلف؛ مهندسان سازه به امکاناتی دست یافتند، که بتوانند سازه‌های بزرگ‌تر، محکم‌تر، پیشرفته‌تر و در عین حال ظریف‌تر بسازند. این تحول، آزادی را در اختیار معماران قرار داد. معمارانی چون لوکوربوزیه، در دوران مدرن از این ویژگی استفاده کرده و ایده‌های خود را محقق ساختند. این مفهوم تا دوران بعد از مدرن نیز ادامه می‌یابد، در این دوران است که در دیدگاه‌های کولهاوس، ترنر، الکساندر و... علاوه بر متعلق دانستن آزادی برای معمار، بهره‌بردار نیز بعنوان عاملی در نظر گرفته می‌شود (جدول ۲).

جدول ۲. دیدگاه‌های مرتبط با آزادی در معماری

متعلق آزادی	آزادی در معماری	اندیشمندان
معمار	مراد رایت از آزادی، نوعی یلگی است که فارغ از تشریفات مرسوم به معماری اجازه می‌دهد بر بسترش استقرار یابد (سیاوش پور، ۱۳۸۹: ۶۹). رایت اعتقاد دارد که، جعبه باید شکسته شود و به معماری مقید و کرخت، زندگی، حرکت و آزادی بخشید (گیدتون، ۱۳۸۸: ۳۴).	رایت
معمار- بهره‌بردار	لوکوربوزیه با بکارگیری تکنولوژی جدید ساختمان‌سازی و حذف دیوارهای باربر، این واژه را در معماری به کار برد (ایده پلان آزاد).	لوکوربوزیه
معمار	حذف قیودی که به‌طور معمول معماران بدان توجه دارند، اعم از رهایی از ساختارها، الگوها، ابهامات و نظم‌ها	کول هاوس
بهره‌بردار	توجه به معماری شناور و عدم قطعیت در طراحی	
بهره‌بردار	زمانی که کنترل تصمیمات اصلی در دست ساکنین قرار گیرد و آن‌ها برای طراحی، ساخت و یا مدیریت پروژه مشارکت داشته‌باشند، فرآیند ساخت محیط ساخته شده در ساکنان انگیزه‌ای برای بهتر زیستن را پدید می‌آورد. بر عکس زمانی که مردم هیچ مسئولیت و کنترلی بر تصمیمات ندارند، محیط مسکونی، مانعی بر سر راه شکوفایی انسان می‌گردد (Turner, 1976: 5-6).	جان ترنر
معمار- بهره‌بردار	بنا یا شهر چنانچه، با الگوهای زنده ایجاد شوند، امکان آزاد ساختن نیروهای درونی ما را فراهم می‌آورند، این سازگاری با نیروهای درونی کمک می‌نماید که انسان بتواند مطابق مقتضای هر موقعیتی که در آن قرار می‌گیرد، آزادانه عمل نماید. آزادی در درجه‌ی نخست در مقابل نظمی است که، سیالیت و پویایی معماری را به خود مقید ساخته‌است (الکساندر، ۱۳۸۶).	الکساندر
معمار	معماری کلاسیک، زبان مرده و گمراه‌کننده ذهن، تقلیل دهنده‌ی آزادی تفکر، غیرقابل ارتباط، اسارت‌بار و ... است در مقابل این زبان، زبان معماری مدرن قرار می‌گیرد (معماریان، ۱۳۹۲).	زوی

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

با توجه به آنچه تاکنون مطرح شده است، همان‌طور که تعدد و اختلاف تعاریف آزادی در معنای عام، معلول تفاوت نگرش انسان‌شناسی و جهان‌بینی افراد است، اختلاف نظر در حوزه‌ی آزادی در معماری را نیز می‌توان ناشی از تفاوت در متعلق آزادی دانست. از این رو درک و تعریف درست از متعلق آزادی، تمرکز پژوهش را آشکار خواهد نمود. در پژوهش حاضر متعلق آزادی "بهره‌بردار" و هدف از آن "به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان" و "به رسمیت شناختن آن‌ها به‌عنوان موجودی انتخاب‌گر" با توجه به مفهوم آزادی از منظر انسان‌شناسی - جامعه‌شناسی است. بر این اساس مفهوم طراحی مسکن آزادی‌مدار، مفهومی معطوف به "طراحی برای همگان" است. به بیان دیگر مسکن آزادی‌مدار را می‌توان این‌گونه تعریف نمود: "مسکن آزادی‌مدار، مکانی است که امکان استفاده، انتخاب و دخل و تصرف را برای بهره‌بردار فراهم و آسایش محیطی را برای او تأمین نماید و شهروندان را برای دخل و تصرف و مداخله در شکل‌دهی یاری دهد". بدین منظور، جهت یافتن مؤلفه‌های محیطی به منظور نمایانگر شدن ویژگی‌های مسکن آزادی‌مدار ابتدا ویژگی‌های کیفی محیط از دیدگاه صاحب‌نظران بررسی شده‌است؛ سپس از آن میان، نگارندگان ویژگی‌های کیفی مرتبط به فضای مسکونی را تفکیک نموده و موردسنجش قرار داده‌اند (جدول ۳).

جدول ۳. مؤلفه‌های کیفی محیط از دیدگاه صاحب‌نظران

صاحب‌نظر	مؤلفه‌های کیفی پاسخ‌دهندگی محیط	مؤلفه‌های کیفی پاسخ‌دهندگی واحد مسکن
جیکوبز (۱۹۶۱) «مرگ وزندگی شهرهای بزرگ آمریکایی»	لحاظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط - استفاده از کاربری‌های مختلط - توجه به عنصر خیابان - نفوذپذیر بودن بافت به مفهوم پیشنهاد اختلاط اجتماعی - انعطاف‌پذیر بودن فضاها	استفاده از کاربری‌های مختلط - انعطاف‌پذیر بودن فضاها
اپلارد و اوکامو (۱۹۶۸)	صدا - نور - دود - گردوغبار - میکرواقلیم - تعامل اجتماعی	---
لاتسنگ و مارنس (۱۹۶۹)	بازبودن - راحتی - جذابیت - نگهداری - ارتباط با ساکنان محله	راحتی - جذابیت - نگهداری
اپلارد و لیتل (۱۹۷۲)	خلوت - قلمرو خانه - همسایگی و ملاقات - دلبستگی	قلمرو خانه - دلبستگی - خلوت
کونین لینیچ (۱۹۸۱) «تئوری شکل خوب شهر»	سرزندگی - معنی - سازگاری - دسترسی - کنترل و نظارت - کارایی - عدالت	سرزندگی - معنی - سازگاری
بتلی و همکاران (۱۹۸۵) «محیط - های پاسخ‌ده»	نفوذپذیری - تنوع - خوانایی - انعطاف‌پذیری - تناسب بصری - رنگ تعلق - قابلیت شخصی سازی	تنوع - خوانایی - انعطاف‌پذیری - قابلیت شخصی سازی
آلن جیکوبز و داندل اپلارد (۱۹۸۷) «به سوی یک بیانیه مانیفست طراحی شهری»	سرزندگی - هویت - دسترسی به فرصت‌ها - تخیل و شادی - اصالت و معنا - محیطی برای همه - زندگی اجتماعی و همگانی	سرزندگی - دسترسی به فرصت‌ها - محیطی برای همه
مایکل ساوت ورث (۱۹۸۹)	ساختار - خوانایی - فرم - حس مکان - هویت - مقیاس انسانی - لحاظ نمودن پیوندهای بومی - منطقه‌ای در قالب طرح‌ها	خوانایی - ساختار - حس مکان - لحاظ نمودن پیوندهای بومی
تیپالدز (۱۹۹۲) «شهرسازی شهروندگرا»	ایجاد وضوح و خوانایی - قابلیت دسترسی و انتخاب برای همگان - کاربری‌های مختلط - توجه به مقیاس انسانی	ایجاد وضوح و خوانایی - قابلیت دسترسی و انتخاب برای همگان - کاربری‌های مختلط
ویولینچ (۱۹۸۳) «قرائت شهری و طراحی مکان‌های شهری کوچک»	قرائت‌پذیری محیط - آزادی انتخاب	قرائت‌پذیری محیط - آزادی انتخاب
هاتن و هانتز (۱۹۹۴) «شهر پایدار»	تنوع - تمرکز - نفوذپذیری - امنیت - مقیاس مناسب - انعطاف - پذیرش - مشورت و مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها	تنوع - مقیاس مناسب - انعطاف‌پذیری - مشورت و مشارکت دادن استفاده‌کنندگان در طرح‌ها

منبع: نگارندگان برگرفته از بهزادفر و کردستانی، ۱۳۸۸: ۳۸

در ادامه، در قالب ماتریسی تطبیقی (جدول ۴)، مؤلفه‌های کیفی محیط مسکونی را با ویژگی‌های آزادی‌مداری تطبیق داده؛ و نتایج حاصل در جدول ۵ بیان شده‌است.

جدول ۴. ماتریس تطبیقی مؤلفه‌های کیفی محیط مسکونی و آزادی‌مداری

موضوع آزادی با ارتباط با	معیارهای سنجش آزادی در مسکن		ویژگی‌های کیفی محیط مسکونی	صاحب‌نظر
	فراهم آوردن قابلیت مداخله برای افراد، با ارائه گزینه	قابلیت انتخاب به بهره‌بردار بدون ارائه گزینه		
			استفاده از کاربری‌های مختلط	جین
			انعطاف‌پذیر بودن فضاها	جیکوبر (۱۹۶۱)
			راحتی	لانسنگ و مارنس (۱۹۶۹)
			جدائیت	
			نگهداری	
			قلمرو خانه	اپلارد و لیتل (۱۹۷۲)
			خلوت	
			سرزندگی	کوین لینچ (۱۹۸۱)
			معنی	
			سازگاری	
			تنوع	بتلی و همکاران (۱۹۸۵)
			خوانایی	
			انعطاف‌پذیری	
			قابلیت شخصی‌سازی	
			سرزندگی	آلن جیکوبز و دانلد اپلارد (۱۹۸۷)
			دسترسی به فرصت‌ها	
			محیطی برای همه	
			خوانایی	مایکل ساوت ورث
			ساختار	
			حس مکان	
			لحاظ نمودن پیوندهای بومی	
			ایجاد وضوح و خوانایی	تیبالدز (۱۹۹۲)
			قابلیت دسترسی و انتخاب برای همگان	
			کاربری‌های مختلط	
			قرائت‌پذیری محیط	ویولینچ (۱۹۸۳)
			آزادی انتخاب	
			تنوع	هاتن و هانتز (۱۹۹۴)
			مقیاس مناسب	
			انعطاف‌پذیری	

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

حال در جدول ۵ ویژگی‌های عمومی آزادی و ویژگی‌های کیفی محیط، حاصل از ماتریس فوق جمع‌بندی می‌گردد.

جدول ۵. مؤلفه‌های کیفی محیط مسکونی آزادی‌مدار

ویژگی‌های عمومی آزادی‌مداری	مؤلفه‌های کیفی محیط مسکونی آزادی‌مدار
به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان	قابلیت استفاده برای کاربری‌های مختلط - محیطی برای همگان - انعطاف‌پذیری
به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان موجودی انتخاب‌گر	قابلیت انتخاب - آزادی انتخاب - دسترسی به فرصت‌ها - قرائت‌پذیری محیط - خوانایی

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

با توجه به این که مطالعه‌ی حاضر، رویکرد اثبات‌گرایی را، با تعریف نمودن متغیرها و محاسبات کمی، هدف خود قرار داده‌است. در این بخش از پژوهش، پس از یافتن مؤلفه‌های کیفی محیط مسکونی آزادی‌مدار در بخش پیش، به بررسی حس دل‌بستگی به مکان پرداخته تا بتوان ضمن شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقای این حس، در ادامه تأثیر مؤلفه‌های آزادی بهره‌بردار بر آن را سنجید.

حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید؛ حس مکان نامیده می‌شود (Zaire et al, 2019). این حس، منبعث از ادراک انسان از ابعاد کالبدی، ذهنی و رویدادهای مکان است. با این حس، فضا به مکانی با ویژگی‌های حسی و رفتاری خاص برای انسان بدل می‌شود (ارغیانی و هاشمی، ۱۴۰۱: ۸۹). در صورتی که ارتباط نمادین بین فرد با مکان صورت پذیرد؛ آن را دل‌بستگی به مکان می‌نامند که با دادن معانی عاطفی و حسی مشترک توسط افراد به مکان خاص شکل می‌گیرد (پورجعفر و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۰) و موجب ارتباط پیوسته با مکان می‌گردد (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۷).

پژوهشگران معتقدند، با توجه به تغییر دائمی خصوصیات مکان‌ها، شامل کالبد، عملکرد و معنای مکان، عوامل مختلفی در رابطه‌ی انسان و مکان و به تبع آن حس دل‌بستگی به مکان مؤثر خواهند بود (پورجعفر و همکاران، ۱۴۰۱: ۶۹)، باید به این نکته اشاره داشت که، عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به مکان، متغیرهای مستقلی هستند که عمدتاً فرد از تأثیر آن بی‌خبر می‌باشد و بطور غیرمستقیم بر این حس تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارند. در جدول ذیل نظرات پژوهشگران در خصوص عوامل مؤثر بر رابطه‌ی انسان و مکان آورده شده‌است.

جدول ۶. عوامل مؤثر بر رابطه‌ی انسان و مکان (دلبستگی مکان)

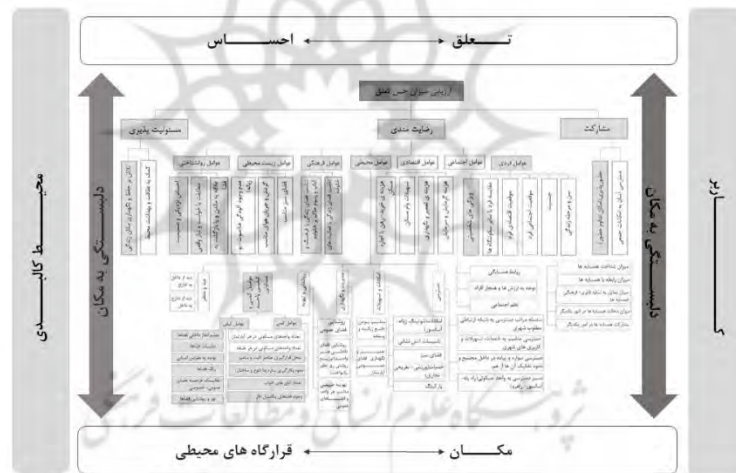
حوزه‌ی مدنظر پژوهش	مؤلفه‌های مؤثر بر دلبستگی مکان	
خانه	مقیاس مکان (خانه (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷) - محله (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰؛ آزادی و همکاران، ۱۳۹۶؛ پیربابایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ رحیمی و همکاران، ۱۳۹۵؛ علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ لک، ۱۳۹۴) - شهر (حیدری و همکاران، ۱۳۹۷؛ یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴) - کشور و ...)	مؤلفه‌های مرتبط با مکان
خانه سکونت دائم	نوع مکان: (خانه‌ی سکونت دائم - خانه‌ی سنتی - خانه تابستانی - مکان باز - مکان محصور - مکان‌های تفریحی - مناظر طبیعی - مکان‌های شغلی و صنعتی - مکان‌های عمومی (اکبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ پژوهان‌فر و همکاران، ۱۳۹۶؛ چرخچیان، ۱۳۹۳؛ حیدری و همکاران، ۱۳۹۴) و ..)	
عوامل کیفی واحد مسکونی (محل قرارگیری عناصر ثابت و متغیر در واحد مسکونی - نحوه به‌کارگیری سازه (نوع و ساختار) - چشم - اندازه‌های داخلی فضای مسکونی - دید و منظر و ...)	کیفیت مکان: دسترسی - امکانات و تسهیلات - مدیریت و نگهداری - محل قرارگیری عناصر ثابت و متغیر در واحد مسکونی - نحوه به‌کارگیری سازه (نوع و ساختار) - چشم‌اندازهای داخلی فضای مسکونی - دید و منظر و ...	
محله پیراشهری	اندازه جامعه محلی: روستاها و شهرهای کم یا پرجمعیت - محلات خلوت یا شلوغ و ...	مؤلفه‌های مرتبط با اجتماع
---	خصوصیات جامعه‌ی محلی: فرهنگ و سبک زندگی جامعه - کیفیت و کمیت روابط اجتماعی - احساس امنیت (Scannell & Gifford, 2017: 256) - هویت - سرمایه اجتماعی و ...	
---	تنوع جامعه محلی: محلات و شهرهای کم یا پرجمعیت - محلات خلوت یا شلوغ و ...	
نقش میانجی‌گری داشته و تأثیر بسزایی در معناداری رابطه‌ی پیش‌بینی‌کننده‌ها با دلبستگی به مکان دارند.	سن - جنسیت - تحصیلات - وضعیت تأهل - سطح درآمد - طبقه‌ی اجتماعی - سابقه سکونت، بومی یا مهاجر بودن و ... (پورجعفر و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۰؛ Brown & et al, 2015; Gustafson, 2001, Lewicka, 2008)	مؤلفه‌های مرتبط با خصوصیات

منبع: نگارندگان برگرفته از (پورجعفر و همکاران، ۱۴۰۰)

در جدول فوق عوامل مؤثر در ایجاد حس دلبستگی به مکان عنوان شده‌است، حال با توجه به نتایج پژوهش‌های صورت گرفته می‌توان عنوان نمود که، در صورت ایجاد این حس در افراد، پیامدهای مثبتی همچون، برآورده شدن بسیاری از نیازهای روحی انسان مانند داشتن احساس امنیت، آزادی، حریم، آسایش روانی و فیزیولوژیکی (Scannell & Gifford, 2017: 256؛ اکبری و همکاران، ۱۳۹۷؛ خدایی و همکاران، ۱۳۹۳)، آرامش، راحتی، رشد فردی، خلوت (Scannell & Gifford, 2017؛ حیدری و عبدی‌پور، ۱۳۹۴)، رفاه ذهنی فرد، کاهش استرس و افسردگی (عطایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۸۷) و تمایل به حفظ نزدیکی به مکان (رامیار و ضرغامی، ۱۳۹۶)، انتخاب مکان‌های مشابه (سجاذزاده، ۱۳۹۲)، حمایت اجتماعی مکان (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۸)، حفاظت از محیط‌زیست (علیمردانی و همکاران، ۱۳۹۶)، وفاداری به مکان (لک، ۱۳۹۴)، افزایش سرمایه‌ی اجتماعی (یاسوری و همکاران، ۱۳۹۴) ایجاد می‌گردد؛ و نهایتاً انسان در آن محیط شاد بوده و به مراقبت از آن می‌پردازد (بهروزی و همکاران، ۱۴۰۱)، این عوامل

موجب ایجاد محیط‌های با کیفیت می‌گردد (بهزادپور، ۱۳۹۷) و جدایی از آن مکان با حزن و اندوه برای افراد همراه است (لک، ۱۳۹۴؛ گودرزی سروش و قربانی، ۱۳۹۴).

از آن جایی که محور اصلی پژوهش مکان محور است یعنی به بررسی خصوصیات کالبدی و عملکردی مکان می‌پردازد. پس به منظور ارزیابی عوامل مؤثر بر حس دلبستگی به مکان با رویکرد مکان‌محور باید بدنبال ویژگی‌هایی بود که بواسطه‌ی این حس، در افراد ایجاد می‌گردد. بدین جهت، با توجه به مطالب عنوان شده در فوق، سه عامل «مشارکت»، «رضایت‌مندی» و «مسئولیت‌پذیری» از نتایج حاصل از حس دلبستگی به مکان، مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ به بیان دیگر می‌توان عنوان نمود که، با افزایش حس دلبستگی به مکان مشارکت، مسئولیت‌پذیری و رضایت‌مندی فرد از فضای زندگی افزایش می‌یابد، بدین جهت در صورت سنجش این معیارها در افراد می‌توان میزان حس دلبستگی آنان را مورد سنجش قرار داد. معیار «مشارکت»، با زیرمعیارهای، حضورپذیری و دسترسی آسان به امکانات جمعی، معیار «رضایت‌مندی»، با زیرمعیارهای، عوامل فردی، عوامل اجتماعی، عوامل فرهنگی، عوامل زیست‌محیطی، عوامل فرهنگی، عوامل زیست‌محیطی و عوامل روانشناختی و معیار «مسئولیت‌پذیری»، با زیرمعیارهای کمک به نظافت و بهداشت محیط و تلاش برای حفظ و نگهداری مکان زندگی به منظور بررسی در نظر گرفته‌شد. سپس از میان این عوامل مطابق شکل، عواملی که مرتبط با واحد مسکونی است، مورد سنجش قرار گرفت.



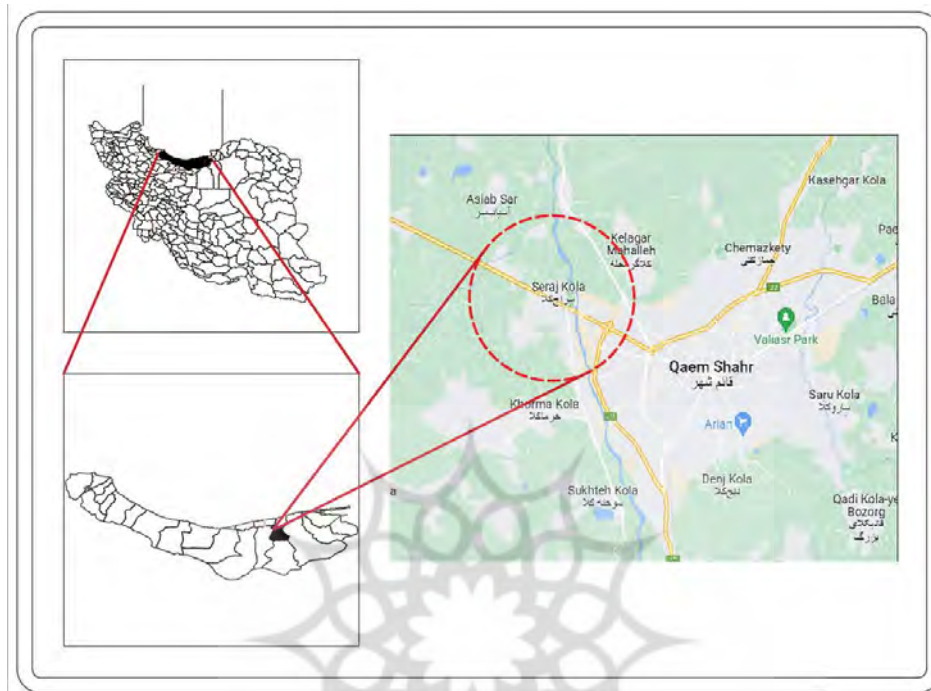
شکل ۱. نمودار معیارها و شاخص‌های تأثیرگذار بر مفهوم حس دلبستگی مکانی

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

روش‌شناسی

رویکرد حاکم بر این پژوهش با توجه به هدف آن، کاربردی و از نظر روش ترکیبی است. مطالعه‌ی موردی پژوهش حاضر، محله‌ی پیرا شهری مفت آباد از جمله سکونت‌گاه‌های غیر رسمی شهر قائمشهر می‌باشد، شهرستان قائمشهر از شمال به شهرستان جویبار، از جنوب به سوادکوه، از غرب به بابل و از شرق به ساری محدود است. این شهرستان به جهت ارتباط تهران با شمال و شمال شرقی، از دو مسیر متفاوت جاده فیروزکوه و جاده هراز از نقاط استراتژیک جغرافیایی محسوب می‌گردد. این شهر از به هم پیوستن محله‌های کوچک سرا، کتی سر، آبندان سر، حسن آباد، سیدمحله، بربری محله و مجاور محله (شامل ترک‌محله، کبریت محله)، مفت آباد و ... تشکیل شده‌است.

محله مفت آباد که در قسمت شمال غربی این شهر به صورت متصل به بافت شهری شکل گرفته است. قسمتی از این محله داخل بافت و قسمتی خارج از بافت شهر می باشد. این محله به عنوان اسکان غیررسمی در فضای پیراشهری قائمشهر شناخته می شود. این منطقه دارای ساختمان های تا ۴ طبقه بوده و ساکنان آن از شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مناسبی برخوردار نمی باشند. همچنین مطابق آمار میزان جرم و جنایت در این منطقه به جهت شرایط خاص فرهنگی - اجتماعی نسبت به دیگر مناطق شهری بیشتر می باشد.



شکل ۲. نقشه موقعیت محله مفت آباد

به جهت سنجش هر یک از معیارها، پرسشنامه‌ی بسته و محقق ساخته‌ای، طراحی شد. جامعه‌ی آماری، تمامی خانوارهای ساکن در این محله می باشند. همچنین، حجم نمونه‌ی مورد مطالعه براساس فرمول کوکران، با ضریب اطمینان ۹۵ درصد ۳۸۲/۶۳ برآورد شد؛ که بدلیل اطمینان از بازگشت حجم قابل قبول پرسشنامه، تعداد ۴۲۰ پرسشنامه پخش شد؛ که بازگشت کامل این پرسشنامه‌ها از میان ۴۰۰ نفر بوده است و مبنای تحلیل قرار گرفت. پرسشنامه‌ی طراحی شده دارای دو بخش اصلی، «اطلاعات عمومی و مشخصه‌ها و ویژگی‌های جمعیت شناختی» و «سنجش متغیرهای موجود در فرضیه» است. انتخاب و تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های پژوهش با توجه به واکاوی ادبیات و پیشینه‌ی موضوع، صورت پذیرفت به طوری که آزادی با ۲ مؤلفه و ۱۰ گویه و مؤلفه‌ی حس دل‌بستگی به مکان با ۳ مؤلفه و ۱۴ گویه سنجیده شده است.

جدول ۷. شاخص‌های سنجش آزادی

به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان موجودی انتخاب‌گر (ارائه‌ی گزینه‌های متعدد به استفاده‌کنندگان)	به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان (امکان استفاده از فضا برای همگان)
۱- قابلیت انتخاب ۲- آزادی انتخاب ۳- دسترسی به فرصت‌ها ۴- قرائت- پذیرگی محیط ۵- خوانایی	۱- قابلیت استفاده برای کاربری‌های مختلط ۲- محیطی برای همگان ۳- انعطاف پذیری ۴- سرزندگی ۵- تنوع

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

جدول ۸. شاخص‌های سنجش حس دل‌بستگی به مکان

مشارکت	رضایتمندی	مسئولیت پذیری
حضورپذیری (امکان تداوم حضور)	۱- عوامل فردی (ویژگی‌های شخصیتی) ۲- عوامل محیطی (عوامل کمی و کیفی واحد مسکونی) ۳- عوامل فرهنگی (تناسب فضای زندگی با فعالیت‌های خانواده- تناسب فضای زندگی با فرهنگ و آداب و رسوم حاکم بر خانواده) ۴- عوامل روانشناختی (علاقه به ماندن و یا بازگشت به فضا- مطابقت با خواست و نیاز واقعی - احساس نزدیکی و صمیمیت)	۱- تلاش برای حفظ و نگهداری مکان زندگی

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۲

در این پژوهش، پیش از تجزیه و تحلیل یافته‌ها قابلیت اتکای پرسش‌ها ارزیابی شد. بدین جهت پرسشنامه به منظور روایی محتوایی، در اختیار تعدادی از متخصصان حوزه‌ی معماری و روانشناسی قرار گرفت تا در یک مقیاس لیکرتی ۵ درجه‌ای پرسشنامه را از نظر محتوا، چارچوب پاسخگویی، رسا بودن و روشنی گویه‌ها مورد ارزیابی قرار دهند؛ همچنین روایی سازه‌ای، توسط نرم افزار SPSS.22 مورد سنجش قرار گرفت. ارزیابی قابلیت اتکا در این مطالعه، توسط آلفای کرونباخ برای دو متغیر آزادی بهره‌بردار (۰/۷۶۱) و حس تعلق (۰/۷۳۶) صورت پذیرفت. نتایج دلالت بر اعتبار مناسب این پرسشنامه دارد. پیش از اجرای تحلیل عاملی، برای تعیین مناسب بودن داده‌های مورد نظر برای تحلیل عاملی، از شاخص KMO و شاپیرو، جهت انتخاب آزمون آماری استفاده شد. جدول ۹، نتایج حاصل از آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و شاپیرو را نشان می‌دهد.

جدول ۹. نتایج آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و شاپیرو

شاپیرو		کولموگروف اسمیرنوف		آماره	Sig.	Df	آماره	Sig.	Df	
Sig.	Df	آماره	Sig.							
۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۹۰۳	۰/۰۰۰	۰/۱۶۷	۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۱۶۷	۰/۰۰۰	۴۰۱	به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات
۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۹۲۳	۰/۰۰۰	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	۴۰۱	به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان انتخابگر
۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۹۶۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۰۹۲	۰/۰۰۰	۴۰۱	آزادی بهره‌بردار
۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۸۷۹	۰/۰۰۰	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۱۹۱	۰/۰۰۰	۴۰۱	مشارکت
۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۹۳۵	۰/۰۰۰	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۰۸۸	۰/۰۰۰	۴۰۱	رضایتمندی
۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۸۹۳	۰/۰۰۰	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰	۴۰۱	مسئولیت پذیری
۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۹۸۲	۰/۰۰۰	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۴۰۱	۰/۰۷۹	۰/۰۰۰	۴۰۱	حس دل‌بستگی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

نتایج آزمون‌های کولموگروف اسمیرنوف و شاپیر نرمال بودن توزیع متغیرها را رد می‌کنند ولی چون تعداد متغیرها بیش از ۲۵ عدد است به بررسی آماره‌های میانگین و میانه پرداخته شد و با توجه به نزدیکی میانگین و میانه‌ی متغیرها، می‌توان توزیع متغیرها را نرمال فرض نمود و از آزمون پارامتریک و مدل معادلات ساختاری استفاده نمود.

جدول ۱۰. آماره‌های میانگین و میانه گویه‌ها

میانگین	میانه	
۱۰/۲۲۲	۱۱	به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات
۹/۰۱۵	۸	به رسمیت شناختن انسان‌ها به عنوان انتخابگر
۱۹/۲۳۵	۲۰	آزادی بهره‌بردار
۳/۳۲۲	۴	مشارکت
۲۶/۱۸	۲۶	رضایت‌مندی
۵/۹۷۵	۶	مسئولیت‌پذیری
۳۵/۴۷۶	۳۵	حس دلبستگی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

یافته‌های پژوهش

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده در پرسش‌نامه، از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی اطلاعات جمعیت‌شناختی شامل، جنسیت، سطح تحصیلات، سن، مدت زمان اقامت، ارتباط بهره‌بردار با بنا و میزان ارتباط با معمار در فرآیند ساخت بنا مورد بررسی قرار گرفت. در بخش آمار استنباطی برای تعیین ارتباط بین آزادی بهره‌بردار و زیر معیارهای حس دلبستگی به مکان (مشارکت، رضایت‌مندی و مسئولیت‌پذیری) همچنین برای تعیین ارتباط بین حس دلبستگی و زیر معیارهای آزادی بهره‌بردار (به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان و به رسمیت شناختن انسان به عنوان موجودی انتخاب‌گر) از آزمون آماری رگرسیون خطی در نرم‌افزار SPSS و در پاسخ به سؤال اصلی پژوهش - میان آزادی بهره‌بردار و حس دلبستگی به مکان چه ارتباطی وجود دارد؟- از آزمون آماری معادلات ساختاری در نرم‌افزار AMOS استفاده شده است.

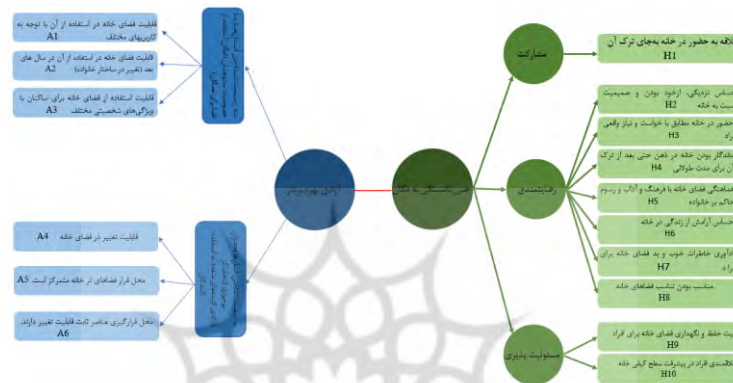
یافته‌ی آمار توصیفی

بررسی‌های انجام شده در بخش آمار توصیفی، حاکی از آن است که ۵۵/۸ درصد نمونه‌ها را خانم‌ها و ۴۴/۲ درصد را آقایان تشکیل می‌دهند. بیشترین فراوانی سن به ۳۱ تا ۴۰ سال اختصاص دارد، به طوری که ۵۱/۸ درصد از افراد ۳۱ تا ۴۰ سال، ۲۳/۵ درصد ۱۸ تا ۳۰ سال، ۱۷/۳ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال، ۵ درصد ۵۱ تا ۶۰ سال، ۲/۵ درصد هم بالای ۶۰ سال هستند. از لحاظ مدرک تحصیلی، ۵۹/۳ درصد از مصاحبه‌شوندگان، دارای مدرک کارشناسی، ۲۹ درصد مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر و ۱۱/۷ درصد از پاسخ‌دهندگان دارای مدرک کمتر از کارشناسی هستند. از نظر مدت زمان اقامت در واحد مسکونی از مجموع ۴۰۰ نفر نمونه آماری، تعداد ۲ نفر کمتر از یک سال، ۱۹ نفر بین ۱-۵ سال، ۳۸ نفر ۶-۱۰ سال، ۱۱۶ نفر ۷-۱۵ سال، ۲۲۵ نفر بیش از ۱۵ سال در خانه‌ی کنونی خود ساکن می‌باشند. بررسی اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه، در خصوص فراوانی آزمودنی‌ها بر اساس مرحله‌ای از ساخت که بهره‌بردار با بنا در ارتباط

است، ۷۵/۵ درصد واحد مسکونی را در شرایطی که تکمیل شده‌است؛ ۲۱ درصد در حالت نیمه‌کاره و ۳/۵ درصد از ابتدا در فرآیند ساخت شرکت داشتند. در خصوص میزان ارتباط طراح معمار با بهره‌بردار از فضای سکونتی، توزیع داده‌ها بیانگر آن است که ۶/۸ درصد از پاسخگویان با معمار خود ارتباط خیلی زیاد، درصد ارتباط ۸/۳ زیاد، ۲۴/۵ درصد ارتباط متوسط، ۱۳/۳ درصد ارتباط کم و ۴۷/۳ درصد از آن‌ها اصلاً با معمار خود در روند ساخت ارتباط نداشته‌اند.

یافته‌های آمار استنباطی

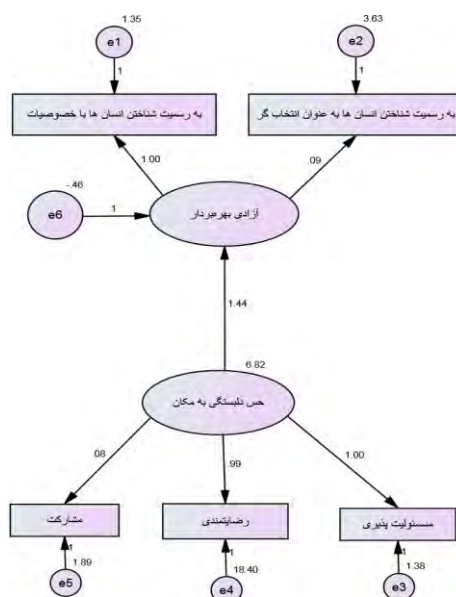
جهت یافتن آمار استنباطی از مدل معادلات ساختاری و رگرسیون خطی استفاده شده است.



شکل ۳. ساختار مفهومی آمار استنباطی

سؤال اصلی: میان آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت و حس دل‌بستگی به مکان چه ارتباطی وجود دارد؟

مدل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیر پنهان "حس دل‌بستگی به مکان" به ترتیب زیر متغیر "مسئولیت‌پذیری" را با ضریب ۱، زیر متغیر "رضایت‌مندی" با ضریب ۰/۹۹ و زیر متغیر "مشارکت" را با ضریب بسیار کم ۰/۰۸ تبیین می‌نماید. همچنین E3 و E4 و E5 عواملی هستند که علاوه بر متغیر پنهان "حس دل‌بستگی به مکان" در تبیین متغیرهای "مسئولیت‌پذیری"، "رضایت‌مندی" و "مشارکت" نیز نقش دارند. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری در خصوص متغیر پنهان "آزادی بهره‌بردار" حاکی از آن است که این متغیر پنهان، به ترتیب زیر متغیر "به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوع‌شان" را با ضریب ۱ و زیر متغیر "به رسمیت شناختن انسان‌ها به‌عنوان موجودی انتخاب‌گر" را با ضریب ۰/۰۹ تبیین می‌نماید. همچنین E1 و E2 عواملی هستند که علاوه بر متغیر پنهان "آزادی بهره‌بردار" در تبیین متغیرهای "به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوع‌شان" و "به رسمیت شناختن انسان‌ها به‌عنوان موجودی انتخاب‌گر" نقش دارند.



شکل ۴. معادلات ساختاری سؤال اصلی پژوهش

با توجه به معادلات ساختاری ارائه شده در شکل ۴، می‌توان عنوان نمود که حس دل‌بستگی به مکان با ضریب ۱/۴۴ توسط آزادی بهره‌بردار و عامل ناشناخته دیگری به نام E6 تبیین می‌گردد. به بیانی دیگر میان آزادی بهره‌بردار در شکل دهی به فضای سکونت و حس دل‌بستگی به مکان ارتباط معناداری وجود دارد.

سؤال فرعی اول: چه ارتباطی میان آزادی بهره‌بردار و زیرمعیارهای حس دل‌بستگی به مکان وجود دارد؟
به منظور تعیین رابطه‌ی میان آزادی بهره‌بردار و زیرمعیارهای حس دل‌بستگی به مکان از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد.

جدول ۱۱. نتایج آزمون رگرسیون خطی سؤال فرعی اول پژوهش

مدل	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده		Sig.
	B	Std. Error	Beta	t	
ضریب ثابت	۵/۰۶۵	۰/۷۷۵		۶/۵۳۴	۰/۰۰۰
مسئولیت‌پذیری	۱/۰۳۹	۰/۰۵۲	۰/۶۴۳	۲۰/۱۳۴	۰/۰۰۰
رضایتمندی	۰/۲۷۴	۰/۰۲۹	۰/۲۹۷	۹/۳۴۱	۰/۰۰۰
مشارکت	۰/۲۳۹	۰/۰۹۴	۰/۰۷۲	۲/۵۵۸	۰/۰۱۱

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

با استفاده از نتایج جدول ۱۱، معادله زیر نوشته می‌شود:

$$\text{مشارکت} \times ۰/۰۷۲ + (\text{رضایتمندی} \times ۰/۲۹۷) + (\text{مسئولیت‌پذیری} \times ۰/۶۴۳) = \text{آزادی بهره‌بردار}$$

همان‌طور که از معادله بالا مشاهده می‌شود، متغیر «مسئولیت‌پذیری» با ضریب ۰/۶۴۳ بیش‌ترین تأثیرپذیری را از آزادی بهره‌بردار دارد و بعد از آن به ترتیب، «رضایتمندی» با ضریب ۰/۲۹۷ و «مشارکت» با ضریب ۰/۰۷۲ در رتبه‌های دوم و سوم قرار دارند، نتایج حاصل از رگرسیون خطی با یافته‌های ناشی از مدل معادلات ساختاری هماهنگ می‌باشد.

سؤال فرعی دوم: چه ارتباطی میان حس دل‌بستگی به مکان و زیرمعیارهای آزادی بهره‌بردار وجود دارد؟
برای تعیین رابطه‌ی حس دل‌بستگی به مکان و زیرمعیارهای آزادی بهره‌بردار از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد.

جدول ۱۲. نتایج آزمون رگرسیون خطی سؤال فرعی دوم پژوهش

Sig.	t	ضرایب استاندارد نشده		مدل
		Beta	Std. Error	
۰/۰۰۰	۱۳/۰۷۱		۱/۱۱۱	ضریب ثابت
۰/۰۰۰	۲۲/۴۵۸	۰/۷۰۷	۰/۰۵۷	به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات
۰/۰۰۰	۷/۷۳۳	۰/۲۴۳	۰/۱۱۴	رسمیت شناختن انسان به‌عنوان انتخاب‌گر

منبع. یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۲

با استفاده از نتایج جدول ۱۲ معادله زیر نوشته می‌شود:

(به رسمیت شناختن انسان به‌عنوان انتخاب‌گر $\times 0/243$) + (رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان $\times 0/707$) = حس دل‌بستگی به مکان

همان‌طور که از معادله بالا مشاهده می‌شود، متغیر «به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان» با ضریب $0/707$ بیش‌ترین تأثیر را بر حس دل‌بستگی به مکان دارد و بعد از آن در مرتبه‌ی دوم، «به رسمیت شناختن انسان به‌عنوان موجودی انتخاب‌گر» با ضریب $0/243$ بر حس دل‌بستگی به مکان اثرگذار می‌باشد (مشابه نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری).

نتیجه‌گیری

امروزه گسترش سریع شهرنشینی، منجر به افزایش تراکم و حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها گشته‌است، مردم در این بافت‌ها عمدتاً در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ضعیفی قرار دارند. که موجب ایجاد معضلاتی در حوزه‌های مختلف گشته‌است، پژوهش حاضر تمرکز خود را بر واحد مسکونی در بافت‌های پیراشهری قرار داده‌است، انتخاب واحد مسکونی بدین جهت صورت پذیرفت که، اکثر پژوهشگران به اهمیت تأثیر حس دل‌بستگی به فضای باز مجتمع‌های مسکونی تأکید می‌ورزند؛ این در حالیست که با توجه به شرایط اقتصادی جامعه و الزام به کار در چند شغل، مردم زمانی به حضور در فضای باز محله‌ی مسکونی خود ندارند، همچنین در شهرهای کوچک، همچون قائمشهر تعداد مجتمع‌های مسکونی محدود بوده و بحث فضای باز مجتمع‌های مسکونی در شهرهای بزرگ مفهوم پیدا می‌کند. از این‌رو پژوهش حاضر واحد مسکونی در بافت پیراشهری را و رای مسائل اجتماعی بافت مورد بررسی قرار داده‌است و به دنبال شاخص‌هایی است که بتواند موجب ارتقای کیفیت و رضایت‌مندی ساکنان، و در کلامی دیگر افزایش حس دل‌بستگی آنان به مکان سکونت گردد.

آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت پس از شکل‌گیری آن به جهت شرایط کنونی واحدهای مسکونی که عمدتاً ساکنان در پروسه‌ی طراحی و اجرای آن نقش ندارند توسط پژوهشگران انتخاب گردید. نتایج حاصل حاکی از تأثیر مثبت آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت پس از شکل‌گیری آن بر حس دل‌بستگی به مکان است.

پس اینجاست که معماران باید با نحوه طراحی خود آزادی را به بهره‌برداران از فضا جهت تغییرات آتی در فضای واحد مسکونی دهند، تا از این طریق حس دل بستگی آنان به فضای زندگی افزایش یابد. همچنین از میان زیرمعیارهای آزادی بهره‌بردار، به رسمیت شناختن انسان‌ها با خصوصیات متنوعشان بیشترین تأثیر را بر دل بستگی افراد به فضای سکونت دارد، از این رو معماران با ایجاد «قابلیت استفاده فضا برای کاربری‌های مختلط»، «طراحی محیطی برای همگان»، «طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر»، «به‌کارگیری فضای سبز جهت ایجاد سرزندگی» در طراحی واحدهای مسکونی در این بافت، می‌توانند به افزایش دل بستگی افراد به فضای سکونت کمک نمایند. همچنین آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت بیشترین تأثیر را بر مسئولیت‌پذیری دارد، یعنی هرچه طراحی فضای خانه به طریقی باشد که افراد در شکل‌دهی به فضای سکونت خود آزاد باشند، در حفظ و نگهداری فضای خانه کوشا تر بوده و علاقمند به پیشرفت سطح کیفی خانه خود هستند که این امر، در گام دوم موجب ارتقای سطح کیفی محله نیز می‌گردد.

این پژوهش می‌تواند نقطه آغازینی در راستای ارزیابی و بازنگری واحدهای مسکونی، فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی با رویکرد آزادی بهره‌بردار تلقی گردد و مبنای تدوین راهنمای طراحی جهت ارتقای کیفی فضای مسکونی گردد.

با توجه به این که این پژوهش در منطقه‌ی پیراشهری قائمشهر با نمونه‌ی آماری ۴۰۰ نفره صورت پذیرفته است، تعمیم‌پذیری آن را به جهت شباهت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با دیگر پیراشهرانشینان سایر شهرها در استان مازندران امکان‌پذیر می‌باشد. در انتها پیشنهاد می‌گردد، معماران به‌عنوان اشخاص حقیقی استفاده‌کننده از نتایج پژوهش حاضر، در طراحی‌های خود در جهت آزادی بخشی به بهره‌برداران در شکل‌دهی به فضای سکونت پس از شکل‌گیری آن، انعطاف‌پذیری را در طراحی‌های خود مورد توجه قرار دهند. همچنین شهرداری‌ها، ادارات راه و شهرسازی، نظام‌مهندسی و دستگاه‌های متولی ساخت‌وساز، به شاخص‌های عنوان‌شده در پژوهش حاضر و طراحی‌های مشارکتی در این مناطق توجه ویژه‌ای نمایند، به‌طوری که ساختمان‌هایی با درصد پیشرفت ۳۰ تا ۴۰ درصد را جهت اعمال نظر بهره‌برداران در پروسه‌ی ساخت در اختیار ساکنان این مناطق قرار دهند.

همچنین در زمینه‌ی مطالعات و پژوهش‌های آتی، پیشنهاد می‌گردد، مقایسه‌ی تطبیقی تأثیر آزادی بهره‌بردار در شکل‌دهی به فضای سکونت پس از شکل‌گیری آن، در مناطق پیراشهری و دیگر مناطق شهرها صورت پذیرد تا با شناسایی وجود اشتراک و افتراق‌های موجود، برنامه‌ریزی‌های مفید و مؤثرتری در راستای ساماندهی این مناطق انجام پذیرد.

منابع

- ارغیانی، مصطفی؛ میرهاشمی، سیدمهدی. ۱۴۰۱. **ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر ارتقاء دل بستگی به مکان در فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی**. نشریه علمی مرمت و معماری ایران، ۱۲ (۲۹)، صص ۸۹-۱۰۵.
- آزادی، مصطفی؛ تقی‌پور، ملیحه و نسیمی، صدیقه. ۱۳۹۶. **بررسی دل بستگی به مکان در میان کودکان؛ نمونه موردی: محله بازارچه قصر دشت شیراز**. معماری و شهرسازی ایران، ۱۳ (۱۳)، صص ۱۶۵-۱۷۹.
- ازنب، مریم؛ موسوی، سیدجلیل و هنرور، جمال‌الدین. ۱۴۰۱. **بررسی حس دل بستگی در نگرشی پدیدارشناسانه به مکان: تفسیری از تجربیات زیسته‌ی افراد**. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۱۵ (۱)، صص ۴۱-۲۳.

- اقبالی، سیدرحمان و حصارى، پدram. ۱۳۹۲. رویکرد مدولار پیش‌ساختگی در مسکن انعطاف‌پذیر. فصلنامه مسکن و محیط روستا، (۱۴۳)، صص ۵۳-۶۸.
- اکبری، محسن؛ ابراهیم‌پورازبری، مصطفی و اقدامی‌تطفی، مریم. ۱۳۹۷. بررسی تأثیر نوستالژی درک شده بر دل‌بستگی به مکان. مطالعات مدیرین گردشگری، (۴۴)، صص ۱۷۱-۱۹۰.
- امیرکافی، مهدی و فتحی، شکوفه. ۱۳۹۰. بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی به محله‌ی مسکونی؛ نمونه‌ی موردی: شهر کرمان. مطالعات اجتماعی ایران. (۱۳)، صص ۵-۴۱.
- بهروزى، مریم؛ ماجدی، حمید و سعیده‌زرآبادی، زهرا سادات. ۱۴۰۱. شناسایی عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء حس دل‌بستگی به مکان با تأکید بر رویکرد برنامه‌ریزی طراحی محور. جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱۲ (۴)، صص ۱۰۸-۱۲۴.
- بهزادفر، مصطفی و محمودی‌کردستانی، پیام. ۱۳۸۸. هنجارهای کیفی طراحی فضای شهری مردم‌مدار (آزادی‌مدار). نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۲ (۳)، صص ۳۲-۴۸.
- بهزادپور، محمد. ۱۳۹۷. بررسی حس تعلق مکانی در مجتمع‌های مسکونی و نقش طبیعت بر آن، مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی اکباتان، پردیسان، زیتون و مهرگان، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۹ (۳۴)، صص ۲۰۰-۱۸۳.
- پژوهان‌فر، مهدیه؛ آخوندی، الهام و مزیدی، مازیار. نقش دل‌بستگی به مکان بر تصورات ذهنی گردشگران تالاب میانکاله. اکویولوژی تالاب، (۳۳)، صص ۴۳-۵۴.
- پورجعفر، محمدرضا؛ جعفری‌اسبورزی، زهرا و صفوی، سیدعلی. ۱۴۰۱. فرامطالعه‌ی پژوهش‌های دل‌بستگی به مکان در ایران، ۳۲ (۹۸)، صص ۸۲-۶۷.
- پوررجبی، میلاد؛ مجد، علی‌اکبر؛ حسنی درمیان، غلامرضا، اصغرپورماسوله، احمدرضا. ۱۴۰۱. معنای توسعه در فضاهای پیراشهری؛ یک مطالعه پدیدارشناختی (مورد: شهر رشت). توسعه فضاهای پیراشهری، ۴ (۲)، صص ۳۵-۶۶.
- پیربابایی، محمدتقی؛ قره‌بگلو، مینو و علی‌نام، زهرا. ۱۳۹۵. بررسی تأثیر عوامل فردی در مطالعه‌ی فرآیند محور دل‌بستگی به مکان با رویکرد روان‌شناختی؛ مورد پژوهی: محله‌ی قره‌باغی‌ها در تبریز. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲۱ (۲)، صص ۵۵-۶۸.
- چرخچیان، مریم. ۱۳۹۳. بررسی نقش ویژگی‌های فردی در میزان دل‌بستگی کاربران به فضاهای شهری؛ نمونه‌ی موردی: خیابان خیام در قزوین. جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، (۴۷)، صص ۵۵-۶۹.
- حاجی‌آقابزرگ، آمنه؛ چرخچیان، مریم و قبادیان، وحید. ۱۴۰۰. قرارگاه فضای میانی در مجتمع‌های مسکونی تهران به منظور ارتقاء میزان دل‌بستگی ساکنان، علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، ۲۳ (۱۱)، صص ۳۷-۵۰.
- حبیبی، امین؛ فلاحی، الهام و کرمی‌راد، سینا. ۱۳۹۸. آموختن از گذشته، کاربست نحو فضای خانه عطروش و محتشم شیراز در تداوم حس تعلق مکان ویلاهای معا صر. معماری اقلیم گرم و خشک، ۷ (۱۰)، صص ۲۲۷-۲۵۰.

- حیدری، علی اکبر؛ تیموری، پریا و مرادیان، سلمان. ۱۳۹۷. ارزیابی تأثیر مقیاس مکان بر میزان دل‌بستگی در سه مقیاس خانه، محله و شهر بر پایه دو متغیر سن و جنسیت؛ مطالعه موردی: شهرهای تهران و ساری. مطالعات شهری، ۷ (۲۶)، صص ۳-۱۶.
- حیدری، علی اکبر و عبدی‌پور، زهرا. ۱۳۹۴. ارزیابی نقش خلوت در ارتقای دل‌بستگی به مکان در خوابگاه‌های دانشجویی. هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی. ۲۰ (۴)، صص ۷۳-۸۶.
- خدایی، زهرا؛ رفیعیان، مجتبی؛ داداش‌پور، هاشم و تقوایی، علی اکبر. ۱۳۹۳. بررسی تأثیر امنیت اجتماعی بر دل‌بستگی به مکان از منظر گروه نوجوان در شهر تهران. راهبرد اجتماعی- فرهنگی، (۱۳)، صص ۴۵-۷۴.
- دانشورنیلو، یوسف؛ طهماسبی‌بکتی، زهرا. ۱۴۰۱. بررسی مفهوم آزادی در اندیشه‌ی شهید مطهری و یاسپرس. دوفصلنامه علمی انسان‌پژوهش دینی، ۱۹ (۴۸)، صص ۱۶۶-۱۴۷.
- دورتیه، جان‌فرانسو. ۱۳۸۲. علوم انسانی (گستره شناخت‌ها). ترجمه مرتضی کتبی، جلال‌الدین رفیع فر و ناصر فکوهی. تهران: نشر نی.
- زارعی، آرزو، هاشمی، شیما، و گلابی، سعیده. ۱۳۹۸. بررسی طراحی معماری روستایی در ارتقاء حس تعلق مکانی ساکنین نمونه موردی: روستای فصالان شهرستان قروه. شباک ۵، ۴ (۴۳)، صص ۳۹-۵۲.
- رامیار، رضا و ضرغامی، اسماعیل. ۱۳۹۶. تأثیر دل‌بستگی به مکان بر سرمایه‌ی اجتماعی در محیط‌های مشترک همسایگی؛ مطالعه‌ی موردی: مجتمع مسکونی نور در تهران. مطالعات شهری، ۶ (۲۳)، صص ۲۹-۵۲.
- رحیمی، روح‌اله؛ انصاری، مجتبی؛ بمانیان، محمدرضا و مهدوی‌نژاد، محمدجواد. ۱۳۹۹. ارزیابی تأثیر مؤلفه‌های کابردی بر حس دل‌بستگی به مکان در فضاهای جمعی مجتمع‌های مسکونی منتخب تهران. نشریه باغ نظر، ۱۷ (۸۳)، صص ۳۰-۱۵.
- رحیمی، لیلا؛ رفیعیان، مجتبی و باقری، محمد. ۱۳۹۵. تبیین مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان در مقیاس محله و شهر و تحلیل تعمیم‌پذیری آن؛ نمونه موردی: محله تاریخی سرخاب تبریز. معماری و شهرسازی آرمانشهر، (۱۷)، صص ۲۲۵-۲۳۶.
- سجاذزاده، حسن. ۱۳۹۲. نقش دل‌بستگی به مکان در هویت‌بخشی به میدان‌های شهری؛ نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان. باغ نظر، (۲۵)، صص ۷۹-۸۸.
- سجاسی‌قیداری، حمدالله؛ خیرآبادی، حمید؛ محمودی، حمیده؛ حاجی‌پور، محمد. ۱۳۹۹. وندالیسم و حس تعلق مکانی در نواحی روستایی پیراشهر بیرجند. دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران. ۱۱ (۱)، صص ۸۹-۱۲۲.
- سلیمانی، آتوسا؛ نوحه‌گر، احمد و صالحی، اسماعیل. ۱۳۹۸. بررسی تأثیر مؤلفه‌های دل‌بستگی به مکان بر مشارکت اجتماعی در حفاظت از محیط‌زیست؛ مطالعه‌ی موردی: منطقه یک شهرداری تهران. مطالعات علوم محیط‌زیست، ۴ (۱)، صص ۱۰۱۴-۱۰۲۱.
- سیاوش‌پور، بهرام. ۱۳۸۹. آزادی در معماری نگرشی بر آزادی معمار در مواجهه با نظم عمومی. پایان‌نامه‌ی دکتری. دانشگاه شهید بهشتی.
- عالم، عبدالرحمن. ۱۳۹۴. بنیادهای علم سیاست. تهران: نشر نی.

- عزیزی، نجمه، سیرجانی، حمید. ۱۳۹۱. معماری آزادی‌آفرین: نگاهی به رابطه آزادی و معماری در **نماهای شهری**. همایش ملی معماری- فرهنگ و مدیریت شهری، چالوس.
- عطایی، امید؛ ستوده، حسام‌الدین و قمیسی، محمد. ۱۴۰۰. **تبیین حس‌تعلق به مکان در بافت تاریخی شهرهای بندری مطالعه موردی: بندرلنگه**، فصلنامه شهرپایدار. ۴ (۴)، صص ۸۷-۹۹.
- علی‌الحسابی، مهران و یوسف‌زمانی، یوسف. ۱۳۸۹. **فرآیند طراحی معماری، تعامل میان طراح و بهره‌بردار (مدل‌یابی مشارکت در طراحی مسکن‌های شخصی‌ساز**. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، ۲ (۴۳)، صص ۳۱-۴۲.
- علیمردانی، مسعود؛ محمدی، مریم و زیبایی فریمانی، نیکو. ۱۳۹۶. **بررسی رابطه حس‌دل‌بستگی به مکان و پیاده‌روی به منظور بهبود سلامت در محله؛ نمونه موردی: محله مطهری شهر مشهد**. معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۱۰ (۲۱)، صص ۱۹۳-۲۰۴.
- کرپیر، لئون. ۱۳۹۰. **معماری، اختیار یا سرنوشت**. ترجمه مهرداد قیومی‌بیدهندی. تهران: نهادگرا (وابسته به مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد).
- گوردوزی سروش، محمد مهدی و قربانی، وحید. ۱۳۹۴. **بررسی عوامل مؤثر بر دل‌بستگی مکان در فضاهای باز آموزشی**. مدیریت شهری، (۳۹)، صص ۹۹-۱۰۸.
- گیدئون، زیگفريد. ۱۳۸۸. **فضا- زمان و معماری**. منوچهر مزینی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- لک، آزاده. ۱۳۹۴. **تجربه بازآفرینی حس‌دل‌بستگی به مکان در محلات آسیب‌دیده از زلزله با بهره‌گیری از روش نظریه زمینه‌ای؛ بررسی موردی: امامزاده زید و قصر حمید در بم**. نامه‌ی معماری و شهرسازی، (۱۵)، صص ۵۲-۷۳.
- لک، آزاده. ۱۳۹۴. **زلزله بم و درک معنایی ساکنان محلات مسکونی از اختلال در دل‌بستگی به مکان**. مسکن و محیط روستا، (۱۵۲)، صص ۱۷-۳۰.
- معتضدیان، فهیمه؛ لاری، ارسلان. ۱۳۹۹. **تبیین مدل ساختاری پایداری اجتماعی و هویت مکانی در منازل سکونتگاه‌های پیراشهری مورد: مجتمع مسکونی سازمانی ارتش در چابهار و کنارک**. توسعه‌ی فضاهای پیراشهری، ۲ (۲)، صص ۱۹۶-۱۷۹.
- معماریان، غلامحسین. ۱۳۹۲. **سیری در مبانی نظری معماری**. تهران: انتشارات سروش.
- موسی‌زاده، عیسی؛ آقایی‌پور، علی و عابدی جیقه، مصطفی. ۱۴۰۱. **بررسی مقایسه‌ای و انتقادی مفهوم آزادی در اندیشه کانت و هایدگر**. پژوهش‌های فلسفی، ۳۹، صص ۶۴۳-۶۵۷.
- منتسکیو، بارون‌دو. ۱۳۶۲. **روح‌القوانین**. ترجمه علی‌اکبر مهتدی. ۱۳۹۶. تهران: امیرکبیر.
- یاسوری، مجید؛ شاکری‌نیا، ایرج و شفیع ماسوله، سیده سمیرا. ۱۳۹۴. **ارتباط رضایتمندی، دل‌بستگی و مقاصد رفتاری گردشگران؛ مورد مطالعه گردشگران بندرانزلی**. برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری، (۱۳)، صص ۲۰۷-۲۲۳.
- Brown, G.; Raymond, C.M. & Corcoran, J. (2015). **Mapping and measuring place attachment**. Applied Geography, (57), 42-53.
- Devido ,Alfredo.(1380). **Design**. Boston: Architectural Press.
- Degnen, C. (2018). **Cross-Cultural Perspectives on Personhood and the Life Course**. Basingstoke: Palgrave Macmillan.

- Gustafson, P. (2001). **Meanings of place: Everyday experience and theoretical conceptualizations**. Journal of Environmental Psychology, (21), 5-16.
- Lewicka, M. (2008). **Place Attachment, Place Identity, and Place Memory: Restoring the Forgotten City Past**. Journal of Environmental Psychology, (28), 209-231.
- Scannell, L., & Gifford, R. (2017). **The experienced psychological benefits of place attachment**. Journal of Environmental Psychology. 51, 256- 269.
- Turner, John (1976). **Housing by People: Towards Autonomy in Building Environments**, Ideas in progress. London: Marion Boyars.

